

استفاده از روش اصلاحی هاپلوئیدی در غلات

چکیده

تولید هاپلوئید و به دنبال آن دابلد هاپلوئید (Doubled haploids) باعث دستیابی به هموزیگوتی مطلق از گیاهان هتروزگوت (F3 یا F1) در حداقل ممکن گردد. از نقطه نظر اصلاحی در گیاهان خودگشن، همچون غلات، دستیابی به لاینهای هموزیگوت می تواند باعث سرعت بخشیدن و همچنین افزایش کارایی گزینش در برنامه های اصلاحی شود.

در حال حاضر روشهای مختلفی از قبیل پرچم، دانه گرده، تخمدان، تخمک و حذف کروموزومی برای تولید هاپلوئید در گیاهان زراعی موجود می باشند. شرایط لازم جهت انتخاب و بکارگیری یک سیستم تولید هاپلوئید برای برنامه های اصلاحی عبارتند از: 1- میزان کافی تولید هاپلوئید کهد از نظر اقتصادی مقرون به صرفه باشد 2- لاینهای دابلد هاپلوئید بدین انده می بایست از نظر سیتولوژیکی پایدار و طبیعی باشد 3- لاینهای کتولید شده می بایست یک نمونه تصادیف از گامتهای والدین باشند.

تولید هاپلوئید از طریق گشت پرچم ساده ترین و معمولترین روش می باشد که در بسیاری موارد میزان تولید گزارش شده قابل ملاحظه می باشند. متاسفانه وابستگی ژنتیکی در غالب گزارشهای یاد شده به چشم یم خورد،

بطوری که فقط بعضی از ژنوتیپ ها نسبت به یک تکنیک کشت پرچم واکنش مطلوب نشان می دهند. از طرف دیگر ظهور گیاهان آلبینو یک مشکل اساسی در ایم سیستم محسوب می شود.

تولید هاپلوئید از طریق حذف کروموزومی مبنی بر تلقیح بین دو گونه گیاهی می باشد که بعد از تلقیح و در طول تشکیل جنین کروموزومهای یکی از والدین حذف گردیده و باعث ایجاد جنین و بدنبال آن گیاهچه های هاپلوئید می شود.

تولید هاپلوئید از طریق حذف کروموزومی برای اولین بار در جو در نتیجه تلاقی با جو وحشی گزارش شد که به خاطر مزیت های آن نسبت به روشهای دیگر مورد توجه قرار گرفت. تولید هاپلوئید از طریق حذف کروموزومی در گندم در نتیجه تلاقی با ذرت اخیراً در انگلستان گزارش شد. در ایران این روش تولید هاپلوئید در گندم مورد نظر موسسه اصلاح بذر می باشد. پروژه تولید هاپلوئید در گندم با همکاری بخش غلات و بخش فیزیولوژی موسسه اصلاح بذر از سال ۱۳۷۱ آغاز گردیده و نتایج آن در مقاله جداگانه اراده خواهد شد.

مقدمه

در حال حاضر گرایش فزاینده ای برای تولید انبوه هاپلوئید در غلات و سایر گیاهان زراعی و باغی وجود دارد. هاپلوئید استفاده های فراوانی در تحقیقات ژنتیکی و برنامه های اصلاحی از قبیل تعیین نقشه های ژنتیکی، تعیین همولوژی در یک ژنوم و همچنین بین ژنومها، تسهیل مطالعات موتاسیون، تسهیل مطالعات صفات کمی، سرعت بخشیدن به برنامه های اصلاحی و افزایش کارایی سلکسیون دارند. در این مقاله استفاده از هاپلوئیدها در برنامه های اصلاحی با تاکید در غلات ارائه یم گردد.

مزایای روش اصلاحی هاپلوئید (Doubled haploid system)

از نظر اصلاحی در گیاهان خودگشن همچون غلات، سیستم دابلد هاپلوئید می تواند مستقیماً جهت تولید ارقام جدید استفاده شود. زیرا هر لاین دابلد هاپلوئید تولید شده پتانسیل تبدیل شدن به یک کالتیوار جدید را دارا می باشد. مزایای اصلی سیستم دابلد هاپلوئید در مقایسه با روشهای کلاسیک اصلاحی

بشرح ذیل است:

1- سرعت بخشیدن به برنامه اصلاحی

2- افزایش کارایی سلکسیون در طول برنامه

1- سرعت بخشیدن به برنامه اصلاحی

در روشهای کلاسیک اصلاحی (پدیدگری، بالک) حدوداً 6 نسل خودگشنی جهت دستیابی به حد نصاب کافی هموزیگوتی بعد از کراس اولیه زمان لازم است. هر نسل خودگشنی باعث کاهش هتروزیگوسیتی و افزایش هموزیگوسیتی می گردد. با n تعداد ژن، نسبت گیاهان هموزیگوت بعد از m نسل خودگشنی را می توان با فرمول $[(2^m - 1) / 2^m]^n$ محاسبه نمود. برای مثال با در نظر گرفتن 5 جفت ژن مستقل بعد از 5 نسل خودگشنی حدوداً 85٪ گیاهان هموزیگوت خواهند بود. بدیهی است که با در نظر گرفتن کلیه ژنهای حتی بعد از تعداد زیاد نسلهای خودگشنی هموزیگوسیتی کامل بدست نمی آید. مهمترین مزیت سیستم دابلد هاپلوئیدی دستیابی به هموزیگوسیتی در حداقل زمان ممکن می باشد و بعد از تولید هاپلوئید از گیاهان هتروزیگوت (F1) و سپس دابلد هاپلوئید، هموزیگوسیتی مطلق بدون توجه به تعداد ژنهای در حال تفکیک حاصل میگردد. (شکل شماره 1). این امتیاز جهت تثبیت ژنهای صفات کمی حائز اهمیت است.

2- افزایش کارایی سلکسیون:

الف-صفات کیفی (ژنهای اصلی): احتمال دستیابی به یک ژنوتیپ خاص مورد نظر (ترکیب خاصی از ژنها در شرایط هموزیگوت) با n تعداد ژن در نسل $F_2^{(1/4)}$ در حالی که این احتمال با سیستم هاپلوئیدی در مقابل $1/64$ در نسل F_2 روشهای کلاسیک می شود.

ب-صفات کمی: امتیاز افزایش کارآیی سلکسیون در سیستم هاپلوئیدی بیشتر در مورد صفات کمی مورد توجه می باشد. اولاً در این سیستم واریانس افزایشی تنها جز واریانس ژنتیکی در لاینها می باشد که ارزش واقعی بریدینگ آنها آشکار می سازد. در مقایسه در سیستمهای کلاسیک واریانس غالبیت نیز وجود دارد که باعث می شود ارزش واقعی بریدینگ آنها مبهم و پیچیده گردد (جدول شماره 1). ثانیاً در سیستم هاپلوئیدی از آنجائی که لاینها هموزیگوت مطلق می باشند، تمام گیاهان در یک واحد / قطعه آزمایشی از نظر ژنتیکی یکسان می باشند. در صورتی که سیستمهای کلاسیک مثل F_3 و یا F_4 از آنجائی که تفرق ژنتیکی در گیاهان داخل قطعه آزمایش صورت می گیرد باعث بروز اختلافات ژنتیکی داخل قطعه آزمایشی و در نتیجه بریدر می بایستی هم داخل قطعه و همچنین بین قطعات آزمایشی سلکسیون را انجام دهد که تا حدودی باعث پیچیدگی و مستلزم دقت بیشتر می باشد. در سیستم هاپلوئیدی سلکسیون فقی بین قطعات آزمایشی انجام می گیرد (جدول شماره 2). ثالثاً تا

آنجائی که حساسیت سلکسیون از یک نسل به نسل دیگر مطرح می باشد، لاینها دابلد هاپلوئید بواسطه هموزیگوسیتی مطلق یک همبستگی ژنتیکی کامل از والدین به نتاج نشان می دهند، در حالی که در سیستمهای کلاسیک هیچگاه چنین همبستگی کاملی وجود ندارد (جدول شماره 3).

علیرغم موارد فوق استفاده از روش اصلاحی هاپلوئیدی به دلیل نیاز این سیستم به امکانات آزمایشگاه گشت بافت، محیطهای قابل کنترل رشد، پرسنل متخصص، گسترده و همه جایی نمی باشد.

شرایط یک سیستم تولید هاپلوئید برای استفاده در برنامه های اصلاحی با درنظر گرفتن مزایای سیستم تولید هاپلوئیدی نسبت به روشهای کلاسیک قبل از بکارگیری این روش باید توجه داشت که سیستم تولید هاپلوئید دارا ویژگی های لازم جهت استفاده در برنامه های اصلاحی می باشد. این شرایط شامل:

1-1- میزان تولید هاپلوئید
مهمترین معیار انتخاب یک روش تولید هاپلوئیدی میزان تولید اقتصادی با درنظر گرفتن بودجه، پرسنل و امکانات آزمایشگاهی می باشد. در حال حاضر روشهای متنوع تولید هاپلوئید در گیاهان زراعی وجود دارد. بهر حال اکثر این

روشها قادر به تولید اقتصاد هاپلوئید به میزان قابل استفاده در برنامه های اصلاحی نیستند. از طرف دیگر سیستم تولید هاپلوئید نباید دارای وابستگی ژنتیکی باشد. لطوری که بعضی ژنوتیپ ها واکنش مطلوب و بعضی دیگر واکنش ضعیف نشان دهند. متایقانه ئابستگی ژنتیکی در بیشتر سیستمهای تولید هاپلوئید در گزارشهای منتشر شده به چشم می خورد.

2- دابلد هاپلوئید می بایست از نظر ستولوژیکی و مورفولوژیکی طبیعی باشند این ملاک بستگی به روش و مسیر تولید هاپلوئید دارد. بطور کلی با روشهای کشت بافت از دو مسیر می تواند گیاه هاپلوئید ایجاد نمود.

الف- غیرمستقیم از طریق کالوس، بعد از تولید کالوس از سلول هاپلوئید از طریق جنینهای رویشی و یا ارگان زایی گیاهچه های هاپلوئید بدست می آیند. گیاهان تولید شده از این مسیر ممکن است دارای ناپایداری کروموزومی (جابجائی ها، آنیوپلوئیدها، حذف بازوی کروموزومها) و ظهور گیاهان آلینو (ناشی از ناپایداری کلروپلاست) شود.

بطور کلی موسانات ژنتیکی ناشی از فاز کالوس یک عامل منفی منفی در برنامه های هاپلوئید بریندینگ محسوب می شود.

ب- مستقیم بدون فاز کالوس، در این مورد گیاهچه های هاپلوئید بدون تشکیل کالوس تولید می شوند. برای مثال تولید هاپلوئید از جنینهای نارس حاصل

تلاقی ذرت با گندم و تولید جنینهای رویشی مستقیماً از میکروسپور در جو از این گروه می باشند. گیاهان هاپلوئید بدست آمده از این مسیر نسبتاً پایدار، دارای ژنوم هاپلوئید n کروموزومی، بدون ناهنجاری کروموزومی و کلروپلاست پایدار هستند.

3-دابلد هاپلوئید بدست آمده می بایست یک نمونه تصادفی گامتهای والدین باشند.

به عبارت دیگر سیستم تولید هاپلوئید نباید هیچگونه سلکسیون روی گامتهای والدین طی روند ایجاد هاپلوئید اعمال کند و هرگونه سلکسیون روی گامتهای (هاپلوئید) توسط بریدر انجام پذیرد. در مورد صفات کیفی (ژنهای اصلی) نسبت 1:1 از گامتهای والدین در دابلد هاپلوئید F_1 انتظار می رود و در مورد صفات کمی میانگین عملکرد دابلد هاپلوئید F_1 می بایستی مطابق با حد واسط عملکرد والدین باشد و هرگونه اختلاف معنی دار از نمایانگر سلکسیون گامتها به یک سو می باشد. گزارشات منتشر شده در مورد دابلد هاپلوئیدهای گندم و جو از طریق نلاقی وحشی تأیید بر تصادفی بودن گامتها دارند (2 و 7).

روشهای تولیدی هاپلوئید

روشهای مختلفی برای تولید هاپلوئید (متعاقب آن دابلد هاپلوئید) در گیاهان زراعی وجود دارند. علاوه بر تکنیکهای کشت بافت روشهای دیگر مثل

پارتینوژنز و آپوگامی نیز وجود دارند که به لحاظ اهمیت کمتر کاربردی‌شان در اینجا بحث نمی‌شوند.

1- کشت پرچم و دانه گرده نارس

کشت پرچم ساده‌ترین و معمول‌ترین روش تولید هاپلوئید محسوب می‌شود و در حال حاضر در بیش از 200 گونه گیاهی در این زمینه گزارش وجود دارد. یکی از مشکلات کشت پرچم این است که مشخص نیم باشد گیاهب دست آمده از دانه گرده یا قسمتهای دیگر پرچم می‌باشد که باعث بروز نتایج با سطوح مختلف پلوئیدی می‌گردد. عوامل بازدارنده استفاده گسرنده کشت پرچم در برنامه‌های اصلاحی شامل وابستگی ژنتیکی (واکنش ضعیف برخی ژنوتیپها)، ظهور گیاهان آلبینو و نوسانات می‌باشد. پیشرفتهای اخیر در تکنیک پرچم همچون جایگزینی مالتوز بجای سوکروز، آگارز بجای آگار، پیش تیمار مانیتول، پیش تیمار سرما و غیره، گامهای مثبت در بهینه سازی این تکنیک بشمار می‌آیند.

کشت دانه گرده نارس روشی است که اخیراً به لحاظ مزایای آن بر کشت پرچم بیشتر مورد توجه یم باشد. در این روش مشکل دخالت دیواره پرچم مرتفع و همچنین دارای پتانسیل بالاتر تولید می‌باشد. بعلاوه دانه گرده یک ماده ایده‌آل جهت انتقال DNA برای ترانسفورماسیون و مطالعات موتاسیون

یم باشد. جداسازی میکروسیپور از طریق مکانیکی با استفاده از سانتریفوژ و یا پیش از تیمار انوسیتول (Inositol 1-2f/1) صورت میگیرد. بطور کلی کشت میکروسیپور در جو تا بحال موفق تر از گندم بوده است. پیشرفتهای اخیر در بهینه سازی تکنیک کشت پرچم و میکروسیپور در جو اخیراً توسط پیکرینگ و دیواکس (6) مروز شده است. در گندم هگزاپلوئید و ترتیکال و گندم تتراپلوئید پیشرفتهای تکنیک کشت پرچم اخیراً در هشتمین سمپوزیوم ژنتیک گندم گزارش شده اند (9).

2- کشت تخمدان و تخمک

در این روش تخمدان تلقیح نشده و یا تخمک جدا شده (کشت تخمک) کشت یم شود. در گیاهان ذرت، جو، گندم، تنباکو، برنج و چغندر قند تولید هاپلوئید از این روش گزارش شده است.

عوامل موثر در تولید هاپلوئید در این روش:

الف- مرحله رشد کیسه جنین، همزمان با موقعی مه میکروسیپورها دو هسته ای می شوند.

ب- اجزاء محیط کشت و شرایط رشد (پیش تیمار سرما، وضعیت قرار رگفتن در محیط کشت و غیره) بطور کلی در این روش پائین و پرهزینه یمب شاد و تنها در مورد چغندر قند نسبت به کشت پرچم برتر گزارش شده است.

2- حذف کروموزومی

تولید هاپلوئید از طریق حذف کروموزومی مبنی بر تلقیح بین دو گونه گیاهی
یم باشد که بعد از تلقیح در طول تشکیل جنین کروموزومهای یکی از والدین
حذف گردیده و باعث ایجاد جنین هاپلوئید می شود. جنین هاپلوئید کشت شده
و بدنیاال آن گیاهچه های هاپلوئید حاصل می شوند. این روش برای اولین بار
در جو در نتیجه تلاقی با جو وحشی (*Hordeum vulgare* x *H. bulbosum*)
 $2n=2x=14$ گزارش شد (3). تولید هاپلوئید در گندم در نتیجه تلاقی با جو
وحشی (*Triticum aestivum* x *G. bulbosum* $1n=4x=2$) گزارش شد (1).
بدلیل وابستگی ژنتیکی این سیستم بطور گسترده استفاده شد. اخیراً در
انگلستان تولید هاپلوئید در نتیجه تلاقی با ذرت (*T. aestivum* x *zea mays*)
 $2n=20$ گزارش گردید (4). در این سیستم وابستگی ژنتیکی شدید وجود ندارد
و در حال حاضر بهترین روش تولید هاپلوئید در گندم استفاده در برنامه های
اصلاحی محسوب می شود.

تولید ارقام جدید با استفاده از روش اصلاحی هاپلوئیدی

نسلهای مختلف در حال تفکیک بعنوان ماده اولیه برنامه اصلاحی هاپلوئیدی
ممکن است مورد استفاده قرار گیرند. بطور کلی سیستم F_1 معمولترین و

سریع ترین روش راه جهت دستیابی و معرفی ارقام جدید می باشد. بهر حال دو مشکل در این سیستم وجود دارد:

الف- از آنجائی که دابلد هاپلوئیدهای تولید شده از هیبریدهای F1 می باشند و هیچگونه گزینش در مرحله F1 صورت نمی گیرد، تعداد زیاد لاین دابلد هاپلوئید جهت دستیابی به نوترکیبی مطلوب لازم می باشد و ممکن است حتی با داشتن 700-800 لاین دابلد هاپلوئید احتمال گرفتن رقم جدید بدست نیاید.

ب- در سیستم F1 بخاطر اینکه یک چرخه نوترکیبی یا میوز انجام پذیرفته، ممکن است که جهت شکستن لینکاژهای نامطلوب کافی نباشد. این مشکلات را می توان با به تعویق انداختن مرحله تولید هاپلوئید در نسلهای بعدی مرتفع نمود. به همین خاطر بعضی از محققیت (اسنپ مذاکره حضوری) سیستم F3 را ترجیح می دهند. در این سیستم گرچه مزیت سرعت بخشیدن به برنامه اصلاحی تا حدودی کاهش می یابد اما تعداد کمترین لاین دابلد هاپلوئید (حدوداً 150 لاین) نیاز و شانس شکسته شدن لینکاژهای نامطلوب بیشتر است.

در حال حاضر در ایران روش تولید هاپلوئید در گندم با روش حذف کروموزومی (تلاقی با ذرت) و سیستم F3 مورد نظر موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر می باشد.

جدول 1- واریانسهای فنوتیپی مورد انتظار در نسلهای

F2 و F3 و جمعیت DH حاصل از F1

بین تک بوته ها F_2	$V_A + V_D + V_{EI}$ $V_A + 1/2 V_D + V_{EP}$
بین میانگین خانواده ها F_3	$2V_A + V_{EP}$
میانگین خانواده های DH حاصل از F_1	
	<p>V_A = واریانس افزایشی</p> <p>V_D = واریانس غالبیت</p> <p>V_{EI} = واریانس محیطی بین افراد</p> <p>V_{EP} = واریانس محیطی بین کرتها</p>

جدول 2- واریانسهای فنوتیپی درون کرتی مورد انتظار

در نسلهای E_3 و E_4 و جمعیت DH حاصل از F_2

نسل	واریانس
کرتهای F_3	$1/2 V_A + 1/2 V_D + V_{EI}$
کرتهای F_4	$1/4 V_A + 1/4 V_D + V_{EI}$
کرتهای GH حاصل از F_2	V_{EI}

جدول 3-مقایسه بین همبستگی های ژنتیکی در

نسلهای F_2 و F_3 و جمعیت DH حاصل از F_1

نسل		
جمعیت F_1 DH / جمعیت F_1 DH		
گیاهان F_2 / میانگین های F_3		
میانگین های F_3 / میانگین های F_4		

نتایج مورد استفاده

- 1-Barclay, I.R. 1975. High frequencies of haploid production in wheat (*Triticum aestivum*) by chromosome elimination. *Nature* 256: 410-411.
- 2-Bazorgipour, R. 1991. the use of in vitro techniques for crop improvement in cereals. Ph. D. thesis. The University of Cambridge. U.K.
- 3-Jasha, K.J and Kao. 1970. High frequency haploid production in barley (*Hordeum vulgare* L.). *Nature* 225: 874-876.
- 4-Laurie, D.A and M.D. Vernet 1988. The production of haploid wheat plants from wheat x maize crosses. *Theor. Appl. Genet.* 76: 393-397.
- 5-Nei, M, 1953. the efficiency of haploid method of plant breeding. *Heredity* 18:19-100.
- 6-Pickering, R.A. and P. Fevaux, 1992. Haploid production: Approaches and use in plant breeding. In: P.R.Shewry. (ed). *Barley: biochemistry, molecular biology and biotechnology*. G.A.B International Wallingford U.K.
- 7-Sitch. L.A. 1985. The production and utilization of wheat double haploids from the interspecific crosses with *Hordeum bulbosum*. Ph. D. thesis. The University of Cambridge.
- 8-Snape, J.W. 1982. the uses of doubled haploids in plant breeding. In: *Induced variability in plant breeding*. Venter for Agricultural Publishing and Documentation. Wageningen, The Netherlands, 52-58.
- 9-International Wheat Genetics Symposium 1993. Abstracts and programme. Beijing. China